

ایران



سخن‌روز

امام حسن مجتبی‌(ع):

بخشیدن پیش از طلب‌کردن از بزرگ‌ترین سروری‌هاست.

نگاره


نگاره

ترامپ در قاب طنز کاریکاتوریست‌ها

فضای مجازی

ماجرای دوبله اکبر زنجان‌پور و خسرو شکیبایی در فیلم هندی «شعله»

صفحه مجازی سینما تايم در اينستاگرام پستي را درباره دوبله اکبر زنجان‌پور ، بازيگر قدیمی تئاتر و سينما، در فيلم شعله بازتشر کرده و نوشته است شايد خيلي‌ها نمي‌دانند اکبر زنجان‌پور که اين روزها اول با خبير بيمارشاوش و بعد با خبير مرخصي‌اش از بيمارستان خبرساز شد، زماني در دوبله فارسي يکي از معروف‌ترين و پربيننده‌ترين فيلم‌هاي هندی تاريخ سينما حضور داشته است.

سال ۱۳۵۵ دوپلورهاي حرفه‌اي اين خواسته را مطرح کردند که براي افزايش دستمزدشان، صاحبان استودیوهای دوبله، به‌طور مستقيم و بي‌واسطه با صاحبان و واردکنندگان فيلم‌هاي خارجي وارد مذاکره شوند، اما بعد از گذشت مدتي اين خواسته آنها به جايي نرسيد و در نتيجه دوپلورها به اعصابي بزرگ دست زدند. مدتي که از اعصاب گذشت، دو استودیوی «راما» و «پاسارگاه» سعی در شکستن اعصاب کردند. از جمله کسانی که بعد از اعصاب وارد دوبله شدند می‌توان اکبر زنجان‌پور، مرحوم خسرو شکیبایی، بيوک ميزباني، محمد کاسبي، عنايت شفيعي، تانيا جوهری، مسعود اسکویی، و محمدعلي ايتانلو و صدرالدين شجره بودند. از مهم‌ترين فيلم‌هاي دوبله شده توسط اين گروه، فيلم «شعله» ساخته رامشي سيبی با حضور آميتا باچان، دارمندرا، سانجیو کومار و امجدخان بود که در آن اکبر زنجان‌پور، خسرو شکیبایی و فرزانه تايدی صحبت کردند. خود زنجان‌پور درباره اين تجربه گفته: «چنگيز جليلوند از من براي دوبله نقش «جبارسينگ» در فيلم «شعله» دعوت به کار کرد. سعی کردم صدايم شبیه «امجد خان» بازيگر نقش «جبارسينگ» باشم.

آسيب‌های جدی آناهيتا درگهي در سریال غربت

آناهيتا درگاهی بازيگر درباره سختي‌هاي بازي در سریال غربت گفته روزانه چهار ساعت براي گرم وقت مي‌گذاشتم. از زماني که دندان‌هاي مصنوعي در دهانم قرار مي‌گرفت تا پايان آفيش، نمي‌توانستم چيزي بخورم. از ۶ صبح تا ۵ بعدازظهر دندان‌ها به دهانم چسبيده بود، شب تا صبح فقط ديالوگ‌ها را تمرين مي‌کردم تا بتوانم با اين وضعيت صحبت کنم و براي سخت نباشد. طراح گرم ما بسيار زحمت کشيد؛ اوده‌هاي بسياري زد و طراحي‌هاي زيادي انجام داد. پروتز بيني‌اي که داشتم، سنگين بود و مدت طولاني روی بيني‌ام قرار داشت که باعث زخم شديد شد. در کل، آسيب‌هاي جدی بسياري ديدم.

خبرهای جدید از اعضای گروه آريان

صحبت‌هاي محسن رجب‌پور تپه‌کننده موسيقي درباره اعضای گروه موسيقي آريان، پربازيد شده و مورد توجه کاربران مجازي قرار گرفته است. رجب‌پور گفته: مشکل اينجاست که هرکدام از اين اعضا در اين طرف و آن طرف دنيا هستند و جمع شدن آنها کنار هم و اجراي برنامه غيرممکن است. علي پهلوان که ستون اصلي اين گروه بود، استرالياست، سحر کاشمري اميرکاست، يک عضو ديگر اميرکاست. وقتي علي پهلوان رفت بقيه اعضا خيلي دلشان مي‌خواست کار را بدون او هم ادامه دهند اما من اجازه ندادم. يکي از آرزوهاي من اين است که آريان دوباره جمع شود. مطمئن باشيد پيش از يک کنسرت مي‌توانند مخاطب جذب کنند…»

گروه آريان خود کار را از نيمه نخست سال ۱۳۷۸ آغاز کرد و تا اسفند ۱۳۹۳ فعاليت هنري داشت. علي پهلوان و پيام صالحی خواننده‌هاي اين گروه و محمدرضا گلزار، سيامک خواهانی، ساناز کاشمري، نينف اميرخاص، سحر کاشمري، عليرضا طباطبائي، شراره فرزناد، برزو بديهی و… از اعضای آن در دوره‌هاي مختلف فعاليتش بودند.

کنشگری اجتماعی ستاره اسکندری

صفحه مجازي خانه هنرمندان حرف‌هاي جالب ستاره اسکندری در نشست برنامه‌هاي سينماتک درباره اولين تجربه کارگرداني‌اش را بازنشر کرده و نوشته: «خورشيد آن ماه» را نه به سفارش بلکه با باور و آنچه من در بلوچستان ديدم ساخته شده است. بايد بگويم که من به جادوی بلوچستان دچار شدم. در هنگام ساخت فيلم متوجه شدم که چقدر با تکه‌اي از وطن بيگانه هستم. من در آنجا هرچه از مردم بلوچستان ديدم، مهر و هنر؛ آغوش باز و فرهنگ غني بود. در بلوچستان ليکو خواندم که هم‌اورد آن هايکو ژاپن است. اتفاقاً در بسياري از بخش‌ها شاهد رخدادهاي مدني نسبت به مرکز هستيم. در نتيجه به آقاي دکتر کردی، پيشهاد ساخت فيلمي را دادم که نه براي تبليغ سيستان و بلوچستان بلکه براي نشان دادن بخشي از واقعيت آنجا که از گذشته پنهان و در محاق مانده، ايجاد شود. در اين سال‌ها شغلم بازيگر بوده ولي آريان‌هايم متفاوت شده است؛ زيرا سينماي ما به سوي ديگري رفته است. من دست‌پرورده علي رفيعي، بهرام بيضايي و… بوده‌ام، طبيعي ست که در زندگي‌ام به لحاظ سليله از شرايط موجود فاصله گرفته‌ام. بنابر اين بايد بگويم که در ساخت اين اثر، يک کنشگری اجتماعي انجام دادم که با آموخته‌هايم از دوستان ترکيب شده است.»

غلط املايي عنوان یک فیلم

به تازگي فيلمي با عنوان «سه‌جلد» روی پرده سينماها رفته که غلط املايي عنوان فيلم مورد توجه کاربران فضاي مجازي قرار گرفته است. درحالي که «سه‌جلد» بر چيزي سه‌جلدی دلالت دارد، حال آنکه منظور سازندگان فيلم همان «سجل» به معنای شناسنامه بوده است. ترجمه عنوان فارسي فيلم به «Birth Certificate» تأييد مي‌کند که منظور از «سه‌جلد» همان شناسنامه است. کاربران در اين باره نوشته‌اند: اگر سازندگان اين فيلم قصدشان اين بوده که تداول عام اين کلمه را بنويسند، بايد اسم فيلم‌شان را مي‌گذاشتنند «سج‌لد»، چون در محاوره خيلي‌ها که از اصل اين کلمه بي‌خبرند، «سجل» را «سج‌لد» تلفظ مي‌کنند.

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نماير: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومي • نشاني: تهران خيابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستي: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ • امور مشترکين: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزيع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌هاي همشهري
- سازمان آگهي‌هاي روزنامه ايران: دارنده گواهينامه ايزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذيرش سازمان آگهي‌ها: ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگي مطبوعاتي ايران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

• صاحب امتياز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:

علی متقیان

نقل قول

جوانان ما گرفتار اینترنت و شبکه‌های اجتماعی شده‌اند!

«آورده‌اند که… کزینی از قصه‌های «هزار و یک شب» است. این قصه‌ها به‌رغم قصه‌های طولانی «هزار و یک شب» که هر قصه در چندین شب خوانده می‌شود، قصه‌های کوتاهی بوده و مناسب این است که آدم هر شب قصه‌ای بخواند.

جنبه‌های طنز و شوخی در این داستان‌های منتخب دیده می‌شود. این داستان‌ها بیشتر جنبه عاشقانه دارند، همچنین به شخصیت‌های موسیقیدان و موسیقی‌نواز دوران خلافت هارون الرشید و نیز شخصیت‌های سیاسی و ایرانی آن دوره یعنی برمکیان پرداخته است. این داستان‌ها برایم جالب بود و طی سالیانی که این کتاب را می‌خواندم، به نظرم مناسب آمد که قصه‌ها یکجا منتشر شوند تا کسانی که حوصله خواندن این کتاب بزرگ را ندارند، در جریان قرار بگیرند.

موضوع قصه «آورده‌اند که…» انسان است. قصه جنبه‌های گوناگون دارد و بیشتر آشنایی جوانان با آنهاست. جوانان ما گرفتار اینترنت و شبکه‌های اجتماعی شده‌اند. در واقع این کتاب پیشنهادی ادبی در مقابل چیزهای فراوانی است که در اینترنت در دسترس جوانان است.

گفت‌وگوی ایستا با محمود دولت‌آبادی نویسنده به مناسبت انتشار کتاب جدیدش

یادداشت



نیکنام حسینی پور

مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سه گانه بحق ایرانی همراه با ساکنانداری فرهنگی

فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از دانش‌ها که در تعامل انسان با تمدن‌های مختلف به دست می‌آید از دیرباز تاکنون نقش بسزایی در ساکنانداری و ساخت هویت تاریخ ملی و بین‌المللی ملل مختلف داشته است.

از آنجایی‌که فرهنگ به عنوان یک متغیر وابسته تابع عوامل متعددی همچون جغرافیا و اقلیم، سیاست و تحولات تاریخی است، بی‌شک هر کدام از این مفروضات و عوامل، تأثیرگذاری روشن و خدشه‌ناپذیری بر فرهنگ یک جامعه دارد.

ایران به عنوان یکی از کهن‌ترین سرزمین‌های بشری که خاستگاه نخستین تمدن‌ها، اقوام، زندگی انسانی، پهنه زبستی و… در درازنای تاریخ بوده است، نقش پررنگ و ارزشمندی در هویت بخشیدن به تجربه زیسته بشر از لحاظ فرهنگی و سیاسی داشته و دارد و تمدن جهانی پیش از هر ملتی، مدیون و مرهون این دیار باستانی و کهن است.

به گواهی اسناد و منابع تاریخی، این سرزمین همواره مأمِن اقوام، ادیان و گروه‌های انسانی مختلفی بوده است

که در این پهنه خاکی به صورت یکپارچه طی سالیان متمادی زندگی مشترکی داشته‌اند و به‌رغم تنوع و تکثر اقوام و رسوم متنوع، این مجموعه به هم تنیده یک موزاییک فرهنگی را تشکیل داده است.

در کنار عوامل گفته شده، گاهی رخدادها و حوادثی با اینکه کام مردم این دیار کن را تلخ کرده اما باعث شده آنها در مقابل ناملایمات متحد و منسجم‌ترشوند.

این روزها درباره جزایر سه‌گانه کشور ایران عزیزمان بسیار می‌شنویم و می‌خوانیم: ادعای بی‌اساسی که طی چند سال گذشته همواره از سوی برخی از کشورهای همسایه تکرار شده است و بزرگان، نخبگان، مسئولان، نویسندگان و اهالی فرهنگ و رسانه را که از مراجع فرهنگ و هنر کشور به شمار می‌آیند، به جوش و خروش وادار کرده است و هر کدام به انحای گوناگون درباره ایرانی بودن جزایر سه‌گانه قلم‌ها زده و گفت‌وگوها کرده‌اند و حتی در بیانیه‌ای صریح، ۸۱ چهره فرهنگی بر ایرانی بودن «تنت کوچک»، «تنت بزرگ» و «ایوموسی» تأکید داشته‌اند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی سیاست‌های فرهنگی در کشور و در رأس آن مقام عالی وزارت آقای دکتر سید عباس صالحی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با توجه به راه‌اندازی کارزار نامگذاری روز دهم آذرماه در تقویم رسمی کشور به عنوان «روز ملی جزایر سه‌گانه»، بررسی این امر را در دستور کار شورای



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

هرقدر انسان، شریف‌تر و نجیب‌تر و حساس‌تر باشد از دیگران بیشتر زنج می‌برد؛ و این دو علت دارد: یکی اینکه خود را مستحق خیانت

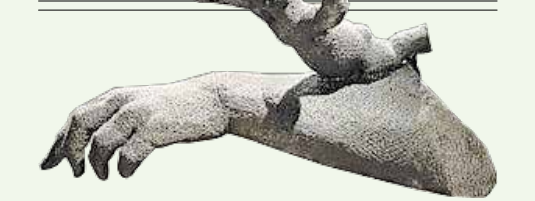
نمی‌بیند و دیگر اینکه انتظار ندارد بقیه با او جور رفتار کنند که خود او با بقیه رفتار نکرده است…!»

الکساندر دوما

سه تفنگدار



تجسم



اثر هنری مخاطب مستقل ندارد

در هر خلق هنرمندانه، هنرمند از یک شی‌ء و وجود خارجی، رخداد، تصویر یا ابزاره و امر واقعی بیرونی به یک درک ذهنی و سوژه فردی می‌رسد که به زعم هنرمند حداقل در مقاطع محدودی همان امر حقیقی است. در هر دو سوی این تولید و دریافت، خیال می‌تواند عامل شکل‌گیری یا توسعه باشد.

اثر هنری از چگونگی ساخت چنین فرآیندی و به واسطه یک مهارت اجرایی، به یک اثر ثانویه بیرونی منجر می‌شود. در آنچه تعریف معاصر هنر به شمار می‌آید، این اثر هنری، به نوبه خود یک امر اولیه خارجی است که احتمالاً از طریق خوانش و مواجهه مخاطب ثانویه به تحقق مفهوم غایی هنر و اثر هنری منتهی خواهد شد. هر مخاطب متأثر از دانش، تجربه زیستی، احوال لحظه‌ای و عوامل مؤثر بر او، وارد رابطه اثر هنری با پدیدآورندگان خواهد شد.

البته عنوان پدیدآورندگان را نباید محدود به شخص هنرمند اثر فرض کرد. برداشت مخاطب، همچنین کنش‌ها و واکنش‌های منتقدهنری، راهنمای موزه، رسانه، محیط، فضا، زمان، مکان و… همه به نوعی و به ترتیبی مؤثر و از طریق احوالات مخاطب، در پدیدآمدن امر نهایی اثر هنری دخالت دارند. همان‌طور که هنرمند در لحظه دریافت و انگیزش و خلق، تحت تأثیر چنین عوامل مشابهی است. بدیهی است که از همین موضوع می‌توان نتیجه گرفت: رابطه مخاطب در لحظه مواجهه با اثر قطعاً متأثر از رفتار و دریافت سایر پدیدآورندگان و شرایط درونی و بیرونی مخاطب است تا جایی‌که مخاطب مستقل اثر هنری قابل تصور نیست.

پس تجربه یک بازدید عمومی از یک نمایشگاه هنری در حضور سایر ارکان و اشخاص مرتبط با اثر هنری و… قابل مقایسه با یک مواجهه منفرد نخواهد بود. مثلاً تصویر نقاشی در صفحه نمایش گوشی، دیگر همان اثری نیست که روی دیوار موزه نصب شده است. با اینکه صدای واحدی در سالن بخش می‌شود، اما الزاماً امر غایی آن موسیقی برای دو مخاطب حاضر در سالن، یکی نیست. این تفاوت‌ها را حتی می‌توان در میان مخاطبان حرفه‌ای، منتقدین کهنه کار هنری، روزنامه‌نگاران تخصصی، داوران رویدادهای هنری و… هم مشاهده کرد و در ساده‌ترین نتیجه‌گیری به نسبی بودن معیارهای ارزش‌گذاری و جاذبه‌های اثر هنری، ماهیت فهم و ادراک اثر هنری، تأثیر اثر هنری، انتقال پیام با محتوای اثر هنری و خصوصاً به عدم قطعیت و ثبات در چستی و چگونگی و چرایی هنر رأی داد.

به این معنا که امر قطعی و بدیهی در هنرهای سنتی، به امری تفسیرپذیر، پویا و جاری در هنر دوره معاصر تبدیل شده است. در یک مثال تقلیل یافته عامیانه، نقل دوباره یک موقعیت شدیداً خنده دار، اغلب ساده و بی‌مزه به نظر می‌رسد. چرا که بخشی از شرایط درونی و بیرونی افراد یا عوامل سازنده آن موقعیت در موقعیت موجود دوم، از دست رفته‌اند.

یا به عکس، گاهی نقل یک حادثه ساده در شرایط متفاوت، بی‌نهایت جذاب و طنازانه می‌شود. دیدن یک فیلم کمدی یا واکنش به یک روایت طنز، علاوه بر روحیات فردی، مستلزم دانش لازم، قدرت تحلیل و تجمیع تمام شرایط عاطفی و احساسی کافی از جمله عکس‌العمل سایرین است که الزاماً در همه بیننده‌ها و شنونده‌ها از یک جنس یا هم اندازه و هم زمان نخواهد بود. این موضوع را می‌توان به سایر برداشت‌ها و احساسات در شکل‌گیری فرآیند اثر هنری هم تعمیم داد. از این رو نتنامی، تأثیرات تعاملی، مداومت حیات و حتی امکان تصور یک اثر هنری متناسب با تغییرات شرایط نمایش و فرآیندی که لحظه به لحظه توسط مخاطب کامل شده، به یکی از مشخصات هنر معاصر در مقابل فرآیند تثبیت شده، قائم به خویش و قطعی هنر در مفهوم سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

سنتی آن تبدیل می‌شود.

هفتمین فرش سرگل شهر

محلث که از نظر مساحت بزرگ‌ترین

فرش سرگل آسیا

محسوب می‌شود،

در فضایی به

مساحت یک هزار

و ۱۵۰ مترمربع و با

استفاده از حدود

۵۰۰ هزار شاخه

گل در رنگ‌های

مختلف طراحی

شده است که

در زمین چمن

مصنوعی بوستان

سلامت محلث

رونمایی شد.

عکس:

حمیدرضا زاهدی

میراث آریا